



دوفصلنامه تخصصی فقه نظام

سال اول - شماره دوم - پاییز و زمستان ۱۴۰۰

Bi-Quarterly feqhe nezam
vol. 1 no. 2 autumn & winter 2021

روش فقه نظام در طراحی نظام بانکداری اسلامی

کمیل قنبرزاده^۱ | حمید شخم‌گر^۲

چکیده

پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه بانکداری اسلامی، به دلیل ابتلا به اشکالات روشی و اشکالات ماهوی متعددی از قبیل عدم برخورداری از حجیت، عدم بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های معارف اسلامی، ضعف کارآمدی، حفظ روح بانکداری ربوی و غیره، فاقد انطباق کامل با احکام شریعتند و در مرحله اجرا نیز توفیق قابل توجهی به دست نیاورده‌اند. پژوهش پیش‌رو پس از معرفی و نقد روش‌های موجود در اسلامی‌سازی بانک به ارائه روش مطلوب، ادله و آثار آن می‌پردازد و نشان می‌دهد که شیوه مطلوب اسلامی‌سازی بانک، سه مرحله دارد: مرحله نخست، معرفی نظام اقتصادی اسلام بر اساس مبانی و اهداف اسلامی و اصول استنباط شده با روش جامع استنباط در «فقه نظام»؛ مرحله دوم، کشف اصول کلی حاکم بر نهاد مالی مطلوب در این نظام و مرحله سوم، طراحی الگوی عملیاتی برای بانک اسلامی بر اساس اصول استخراج شده، تجارب موجود در نهادهای مالی، تکیه بر ظرفیت‌های موجود و توجه به ملزومات اجرایی است. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها

بانکداری اسلامی، فقه نظام، روش عدم مغایرت، روش فقه نظام، نهاد مالی اسلام.

^۱. استاد اقتصاد و مدیر مرکز جامع علوم اسلامی ولی امر (عج). (نویسنده مسئول) | komeil100@gmail.com

^۲. دانش‌آموخته فقه اقتصادی مرکز جامع علوم اسلامی ولی امر (عج). | Hamidbagheri2356@gmail.com

در چند دهه گذشته تلاش‌های فراوانی در جهت تحقق بانکداری اسلامی صورت گرفته و تا حد زیادی در ایران و سایر کشورهای اسلامی اجرایی شده است. اما با وجود همه تلاش‌ها هنوز موفقیت موردنظر به دست نیامده است. با وجود گذشت بیش از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برخی از مراجع عظام تقلید و متخصصان اقتصاد اسلامی اشکالات فراوانی به مشروعیت روش بانکداری موجود مطرح می‌کنند.^۱ از نظر کارایی اقتصادی نیز اشکالات فراوانی وجود دارد که باعث نارضایتی مردم و نهادهای حاکمیتی شده است.^۲ اگرچه مشکلات فراوانی در ناحیه اجرای صحیح قوانین و نظارت بر آن در عملیات بانکی وجود دارد،^۳ اما همه اشکالات در این سطح نبوده و بسیار عمیق‌تر از آن است. پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد طرح‌هایی که به منظور اسلامی‌سازی بانک‌ها تبدیل به قانون شده و اجرا می‌شود، علاوه بر این که هم‌چنان روح بانکداری ربوی را که همان مبلغ، مدت، نرخ بهره ثابت و جریمه تأخیر است، حفظ نموده و تفاوت ماهوی ایجاد نکرده است؛^۴ در تطبیق با ظاهر احکام شریعت نیز توفیق چندانی به دست نیاورده است.^۵ به نظر می‌رسد مشکل پژوهش‌های موجود در اسلامی‌سازی بانک‌ها تنها به ضعف محتوایی آن مربوط نمی‌شود، بلکه اساسی‌ترین اشکال در این زمینه، روش پژوهش در این عرصه است.

روش مرسوم در طراحی بانکداری اسلامی تاکنون این‌گونه بوده است که ساختار بانکداری ربوی با همه مبانی، اهداف، سیاست‌ها و ابزار وارد نظام اقتصادی شود و تنها با عرضه کردن چند مسئله از مسائل موجود در عملیات بانکی متعارف به دستگاه فقه، حلال بودن آن تأیید شود و در صورت عدم تأیید، ابزار دیگری که همان هدف را تأمین کند و از



۱. خبرگزاری ایسنا، به نقل از مراجع عظام مکارم شرازی و نوری همدانی و جوادی آملی و سبحانی و علوی گرگانی، تاریخ خبر:

۲۷ بهمن ۹۵، کد خبر: ۹۵۱۱۲۶۱۸۷۰۹، لینک خبر: isna.ir/xcYBPz

۲. موسویان، سید عباس و میثمی، حسین، بانکداری اسلامی، ج ۱، ص ۵۸۹،

همان، ص ۶۰۶.

۳. صمصامی، حسین، «آسیب‌شناسی و اصلاح نظام بانکی»، ص ۳۶.

۴. نظریور، محمدنقی و یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و ابراهیمی، میمنت، «بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری

بدون ربا در ایران؛ مطالعه موردی بانک تجارت مشهد مقدس»، ص ۱۵۷-۱۸۸.

مشکل عدم مشروعیت برخوردار نباشد، طراحی شود.^۱ تقریباً همه پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه بانکداری اسلامی صورت گرفته است به همین روش بوده که از آن به «روش عدم مغایرت» تعبیر می‌شود.^۲ حال آن‌که اگر بنا باشد به درستی پژوهشی در اسلامی‌سازی بانک صورت بگیرد، باید منطق پژوهش تغییر کند. در این مقاله پس از نقد روش‌هایی که با رویکرد انتقادی به روش عدم مغایرت به‌عنوان روش مطلوب بیان شده‌اند، اثبات می‌شود روش مطلوب، «روش جامع فقه نظام» است. این روش ابهامات پیش‌گفته را برطرف می‌سازد. در پژوهش‌های انجام شده در جهت اسلامی‌سازی بانک‌ها دو آسیب جدی وجود دارد: یکی مسئله مشروعیت و انتساب الگوی طراحی شده به اسلام و دیگری عدم توانایی این سیستم برای تأمین اصول مستنبطه در نظام اقتصادی اسلام. با توجه به این‌که این دو آسیب ناشی از روش این پژوهش‌ها است، لازم است در رابطه با دقت و تصحیح روش پژوهش تلاش وافی صورت گیرد.

پیشینه

اگرچه در سال‌های اخیر، پس از روشن شدن نقاط ضعف در اسلامی‌سازی بانک و البته سایر نهادهای اقتصادی، پژوهش‌ها در رابطه با روش پژوهش در علوم انسانی اسلامی و همچنین نظامات اجتماعی و فقه نظام آغاز شده است، اما هنوز ادبیات به وجود آمده در این بخش کافی نیست.

در این زمینه می‌توان به کتاب درآمدي بر اجتهاد تمدن‌ساز^۳ و روش‌شناسی علوم اجتماعی و فلسفه علوم انسانی^۴ اشاره کرد. همچنین برخی از فقیهان معاصر در مقدمه آثار علمی خود

۱. موسویان، سید عباس و میثمی، حسین، بانکداری اسلامی، ج ۱، ص ۶۰۶.

۲. مادرشاهی، محمد، «آسیب‌شناسی روش عدم مغایرت در اسلامی‌سازی بانک»، ص ۶۹.

۳. ر.ک: اعرافی، علیرضا، درآمدی بر اجتهاد تمدن‌ساز.

۴. ر.ک: خسروپناه، عبدالحسین، روش‌شناسی علوم اجتماعی و فلسفه علوم انسانی.





به تبیین روش تحقیق پرداخته‌اند که کتاب اقتصادنا^۱ و فقه الاداره^۲ و مقاله «روش کشف نظام اقتصادی اسلام»^۳ از جمله آن‌ها است.

اما در خصوص بانکداری و این‌که برای اسلامی‌سازی بانک از چه روش‌هایی می‌توان پیروی نمود و نقاط ضعف و قوت هر یک کدام است؟، پژوهش قابل‌توجهی وجود ندارد. به نظر اولین شخصی که به روش طراحی نظام بانکی اسلامی پرداخته، شهید صدر است.^۴ همچنین دکتر موسویان و دکتر میثمی در بانکداری اسلامی، مبانی نظری تجارب عملی در بحث پیش‌فرض‌های اساسی، از روش کتاب که همان روش عدم مغایرت است، در دو صفحه دفاع نموده‌اند.^۵ دکتر حسین عیوضلو نیز در برخی مقالات^۶ روش تحقیق خود را بیان نموده و بر این اساس، مدلی برای بانکداری اسلامی ارائه کرده است.

امتیاز پژوهش حاضر، بررسی همه نظریات موجود در زمینه روش اسلامی‌سازی بانک، نقد آن‌ها و ارائه روش مطلوب است.

۱. مفاهیم

۱-۱. فقه نظام

فقه در تعریف مشهور به معنای «علم به احکام مکلفین از طریق ادله تفصیلی آن است.»^۷ فقه خرد پاسخگوی پرسش‌های فرد مکلف است. اما در کنار مسائل مربوط به مکلف خرد، فقه دیگری در منابع دینی وجود دارد که پاسخگوی مسائل و مشکلات «مکلف کلان» یعنی

۱. صدر، سیدمحمدباقر، البنك اللارویه، ص ۴۳۸

۲. قوامی، سیدمصصم‌الدین، فقه الاداره، ج ۱، ص ۹۴.

۳. ر.ک. میرمعزی، سیدحسین، روش کشف نظام اقتصادی اسلام.

۴. صدر، سیدمحمدباقر، البنك اللارویه، ص ۵-۹.

۵. موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین، بانکداری اسلامی، ج ۱، ص ۷-۸.

۶. عیوضلو حسین، «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام»، ص ۵۹؛ همو، «مقدمه‌ای بر نظریه

بانکداری اسلامی»، ص ۵۹.

۷. حلی، فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، ج ۲، ص ۲۶۴؛ ابن‌شهید الثانی، حسن بن زین‌الدین، معالم الاصول، ص ۶۶.

جامعه است. هنگامی که جامعه‌ای بخواهد روابط و سازمان اجتماعی خود را در عرصه‌های گوناگون زندگی بر مبنای دستورات الهی شکل دهد، نیازمند فقه کلان است. فقه مربوط به مکلف کلان یا نظم رفتار جامعه در عرصه‌های گوناگون نظیر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، تعلیم و تربیت و ... «فقه نظام» نامیده می‌شود.^۱

۲-۱. روش فقه نظام

روش فقه نظام اصطلاحی است که در سالیان اخیر رواج یافته و مراد از آن، روشی در فقاهت است که قابلیت دارد تا احکام اسلام را به صورت نظام‌مند و تحت عنوان نظامات اجتماعی معرفی کند. این روش به‌رغم مخالفت برخی از اندیش‌وران فقهی،^۲ دارای طرفداران جدی میان فقهای بزرگ معاصر است و تقریرهای مختلفی برای آن ارائه شده است. روش «حرکت از مبانی به روبنا»، روش «حرکت از روبنا به زیربنا»، روش «نظر، نظریه، نظام» و «روش جامع استنباط» نمونه‌هایی از آن است. تبیین تفصیلی هر یک از این روش‌ها در ادامه خواهد آمد.

۳-۱. بانکداری اسلامی

مراد از بانکداری اسلامی، یک نهاد پولی متناسب با نظام اقتصادی اسلام است که اصول آن از مبانی اسلامی، احکام فرعی فقهی و همچنین ادله مستقیمی که ناظر به اصول کلی مرتبط با گردش پولی و تأمین اعتبار در اسلام است، برگرفته شده است.



^۱ اراکی، محسن، فقه نظام اقتصادی اسلام، ج ۱، ص ۱۶

^۲ فاضل، محمدجواد، سخنرانی در دومین گرامیداشت آیت‌الله موسوی اردبیلی،

۲. تبیین و نقد روش‌های مرسوم طراحی بانکداری

پیش از پرداختن به معرفی روش مطلوب در طراحی بانکداری اسلامی، لازم است به روش‌های موجود در طراحی بانکداری اسلامی اشاره شود و مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۲-۱. روش مرسوم؛ روش عدم مغایرت

بررسی پژوهش‌هایی که در حوزه بانکداری اسلامی در ایران و سایر کشورهای اسلامی انجام شده است به خوبی نشان می‌دهد که بیشتر این پژوهش‌ها با روش «عدم مغایرت» صورت گرفته است. روش عدم مغایرت به این معنا است که عملیات بانکداری، سیاست‌ها و ابزارهای به‌کار رفته در بانکداری متعارف، به صورت مجزا از هم به دستگاه فقه اسلامی عرضه می‌شود؛ در صورتی که هر یک از این عملیات‌ها با قواعد فقه معاملات مغایر نباشد به‌عنوان عملیات مشروع اسلامی پذیرفته می‌شود؛ در غیر این صورت، تلاش می‌شود تا ابزاری جایگزین برای این عملیات طراحی شود که در عین سازگاری با ظاهر قواعد شریعت، همان هدف را تأمین کند. در این روش به این سیاست‌ها و ابزارها، «عملیات بانکداری اسلامی» و به بانکی که فعالیت‌های خود را بر اساس عملیات طراحی شده منطبق کند، «بانک اسلامی» اطلاق می‌شود.^۱ به نظر می‌رسد یکی از مؤثرترین نوشته‌هایی که سبب شده است روش عدم مغایرت به‌عنوان روش اصلی در طراحی بانکداری اسلامی شناخته شود، کتاب البنک اللاربویه نوشته سیدمحمدباقر صدر است. ایشان در این کتاب تلاش کرده است تا ربا را از سیستم بانکی موجود حذف کند.^۲



۱. مادرشاهی، محمد، «آسیب‌شناسی روش عدم مغایرت در اسلامی‌سازی بانک»، ص ۵۱؛ موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین، بانکداری اسلامی، ج ۱، ص ۳۰.

۲. صدر، سیدمحمدباقر، البنک اللاربویه، ص ۵ (برای توضیح بیشتر ر.ک: مادرشاهی، محمد، «آسیب‌شناسی روش عدم مغایرت در اسلامی‌سازی بانک»).

نقد و بررسی

این روش به دلیل اهمیتی که در بانکداری اسلامی دارد، نیازمند بررسی تفصیلی است، ولی در اینجا به دلیل رعایت حجم مقاله، به ذکر مهم‌ترین اشکالات آن‌هم به صورت مختصر، اکتفا می‌شود.^۱

الف) عدم توجه به نظام اقتصادی اسلام

بانکداری متعارف یکی از اجزاء نظام اقتصادی سرمایه‌داری است و بر اساس مبانی سرمایه‌داری و برای تأمین اهداف مورد نظر این نظام اقتصادی طراحی شده است. بنابراین، بانکداری متعارف هرچند ممکن است برای یک نظام سرمایه‌سالار ضروری و مطلوب باشد، ولی در نظام اقتصادی اسلام نه تنها ضروری نیست، بلکه مطلوبیت هم ندارد. نهاد مالی متناسب با نظام اقتصادی اسلام می‌تواند کاملاً متفاوت با الگو، ابزارها و سیاست‌های بانکداری متعارف باشد. از این رو، برای دستیابی به این هدف لازم است ابتدا، نظام اقتصادی اسلام معرفی و با نظام غربی مقایسه شود، سپس نهاد مالی مناسب با نظام اسلامی طراحی گردد. در روش فوق، چنین رویکردی وجود ندارد و حتی وجود چنین ظرفیتی در آن مورد تردید است.

ب) عدم امکان تأمین اصول بانکداری اسلامی

در روش عدم مغایرت صرفاً به قواعدی توجه می‌شود که در عقود اسلامی به‌عنوان قواعد معاملاتی مطرح شده است. اگرچه مراعات این قواعد معاملاتی در همه انواع معاملات از جمله عملیات بانکی لازم است، اما اصول بانکداری منحصر به این قواعد نیست. برخی از اصول بانکداری اسلامی مثل «حرمت خلق پول»، «قاعده ربح»، «جلوگیری از انحصار سرمایه» و ... مانند هر نهاد اقتصادی دیگری برخاسته از اصول کلی نظام اقتصادی اسلام

^۱. ر.ک: یوسفی، احمدعلی، و مادرشاهی، محمد، «تحلیل فقهی مبنای عدم مغایرت در تصویب قوانین اقتصادی» و مادرشاهی، محمد، «آسیب‌شناسی روش عدم مغایرت در اسلامی‌سازی بانک‌ها».





است. بر این اساس، تنها نهادی به‌عنوان نهاد نظام اقتصادی اسلام قابل قبول است که بتواند اصول نظام اقتصادی اسلام را محقق کند. واضح است که روش عدم مغایرت تأمین‌کننده چنین اصولی نیست.

ج) عدم مشروعیت وضع قانون بر اساس بسیاری از عقود طراحی شده

در فرضی که با روش عدم مغایرت انجام یک عقد از منظر اسلام دچار حرمت تکلیفی و یا وضعی نباشد، آیا می‌توان نتیجه گرفت که می‌توان بر اساس آن قانون الزامی وضع کرد و آن را در جامعه ترویج نمود؟ پاسخ منفی است؛ چراکه شرایط قانون‌گذاری با صدور حکم فردی برای یک نفر در جامعه متفاوت است. از جمله این شرایط، توجه به «عناوین ثانویه»، توجه به «مستحبات و مکروهات»،^۱ قانون‌گذاری در دایره مصلحت^۲ و ... است.

د) عدم قدرت اقناع، گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری

با توجه به این‌که معمولاً طراحی ابزارهای موجود در بانکداری بر اساس روش عدم مغایرت صرفاً مفاهیم حقوقی متفاوتی با ابزارهای موجود در بانکداری ربوی دارد و آثار اقتصادی متفاوتی ندارد، تنها کسانی را می‌توان مجاب به این روش کرد که همه احکام دین را به صورت تعبدی بپذیرند، اما در مواجهه با ذهن پرسشگر انبوهی از متفکران جویای حقیقت که به دنبال راه‌حل مؤثر اقتصادی برای حل مشکلات مردم هستند، پاسخی نخواهد داشت. همین رویکرد باعث می‌شود متفکران رشته اقتصاد هرگز توجه جدی به طرح‌های بانکداری اسلامی نداشته باشند. در شرایطی که مطالبه جامعه و رهبری کنترل و هدایت نقدینگی به سمت تولید است و دغدغه‌های فراوانی در اقتصاد کشور وجود دارد، توقع اندیشمندان این است که راه‌حلی از

^۱ ر.ک: به یوسفی، احمدعلی و مادرشاهی، محمد، «تحلیل فقهی مبنای عدم مغایرت در تصویب قوانین اقتصادی»، ص ۱۷.

^۲ این مطلب از آنجا قابل اثبات است که مبنای مشروعیت قانون‌گذاری مسأله ولایت فقیه است و فقیه برای اعمال ولایت طبق بیانات مختلف فقها (مانند: عاملی، سیدجواد بن محمد حسینی، مفتاح‌الکرامه، ج ۴، ص ۲۱۷ و علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۸۰ و طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط، ج ۲، ص ۲۰۰) باید مصلحت را رعایت کند.

آموزه‌های اسلام جهت برون‌رفت از مشکلات اقتصادی ارائه شود نه این‌که تنها ظاهر ابزارها تغییر نماید.

نقدهای زیاد دیگری نیز می‌توان به این روش وارد کرد که اکنون مجال تبیین تفصیلی آن‌ها وجود ندارد. در این روش از همه ظرفیت معارف اسلامی برای طراحی بانکداری استفاده نشده است در حالی که این امر مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز بوده است.^۱ «عدم امکان تأمین نظر بسیاری از فقهای شیعه و سنی در بسیاری از ابزارهای بانکی»، «عدم امکان اجرای عقود طراحی شده»، «عدم امکان نظارت بر عقود طراحی شده» و «از بین رفتن انسجام میان اجزاء نظام بانکی»، «تضییع فرصت قانون‌گذاری» و در نتیجه «ایجاد بدبینی به فقه» از دیگر معایب مهم این روش است.

۲-۲. روش نظر، نظریه، نظام

این روش اگرچه به صراحت در نوشته‌های متفکران عرصه بانکداری نیامده است، اما در کتاب فقه‌الاداره^۲ به‌عنوان روشی برای طراحی نظام‌ها و نهادهای اجتماعی معرفی شده است. به نظر می‌رسد برخی از نظریه‌های بانکداری اسلامی مبتنی بر این روش است، بدون این‌که صاحب آن نظریه به این مسئله تصریح کند و یا حتی به آن توجه داشته باشد.

در این روش ابتدا نظام بانکی متعارف در تمدن غربی و اجزاء و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، آنگاه حکم تک‌تک این اجزاء از فقه اسلامی استخراج و استنباط می‌شود. سپس نظامی متناسب با چنین احکامی طراحی می‌گردد. الگویی که در کتاب به سوی حذف ربا از نظام بانکی (از نظریه تا عمل)، به‌عنوان الگوی بانکداری اسلامی معرفی شده است، تابع چنین روشی است.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید و طلاب مدرسه عالی تخصصی فقه، اسفند ۱۳۹۷. <https://khl.ink/f/>. ۴۱۸۹۸

۲. قوامی، سیدمصمصام‌الدین، فقه‌الاداره، ج ۱، ص ۹۳.

۳. ر.ک: مصمصامی، حسین و داوودی، پرویز، به سوی حذف ربا از نظام بانکی (از نظریه تا عمل).



نقد و بررسی

اگرچه این روش نسبت به روش عدم مغایرت از بانکداری متعارف فاصله گرفته؛ چراکه تلاش کرده است تا یک نظام یکپارچه از اجزاء استنباط شده طراحی کند، اما همچنان اشکالات متعددی بر آن وارد است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف) عدم ارائه الگو برای استنباط احکام

این روش اگرچه در طراحی یک کل نظام‌مند متفاوت با روش عدم مغایرت عمل می‌کند، اما در استنباط احکام غیر از روش عدم مغایرت، روش دیگری را پیشنهاد نداده است. بنابراین بیشتر اشکالات روش عدم مغایرت بر این روش نیز وارد است.

ب) الگوبرداری از نظام غربی در ساختار مسائل اقتصادی

الگوبرداری در ساختار مسائل اقتصادی که اولین قدم تشکیل دهنده نظام اقتصادی است از نظام غربی، اولین گام انحراف در روش پژوهش در حوزه بانکداری اسلامی است؛ چراکه نهاد مالی در نظام اسلامی دارای اجزاء و مؤلفه‌هایی است که اساساً در بانکداری غربی وجود ندارد و بالعکس. مانند قاعده منع تداول ثروت در اختیار عده‌ای خاص که چه‌بسا در بانکداری غربی مطلوب شمرده شود، ولی در نهاد مالی اسلامی باید جلو آن گرفته شود.

ج) عدم ارائه دلیل برای حجیت نظام بانکداری

طراحی یک نظام جدید میان اجزای به دست آمده، نیازمند روشی مبرهن است و حجیت این روش نیز نیازمند استدلال است. با چه موازینی می‌توان این کل و مجموعه طراحی شده را به‌عنوان یک نهاد اسلامی معرفی کرد. آیا این‌که تک‌تک اجزای آن مغایر با احکام اسلام نیست، برای احراز حجیت کافی است؟!



۲-۳. روش فقه مقاصد و مصالح

این روش در میان متفکران اهل تسنن رواج بیشتری داشته؛ چراکه مبتنی بر مبنای آنان در پذیرش مقاصد و مصالح به عنوان یکی از منابع احکام است. ایشان در مواجهه با مسائل نوپدید با تکیه بر مصالح جامعه و مقاصدی که در شریعت روی آن تأکید شده، احکام جدید صادر می‌کنند که به تبع آن احکام، نظاماتی نیز طراحی می‌شود. به عنوان نمونه یوسف قرضاوی در کتاب فقه الزکات تلاش کرده است تا بر اساس مقاصد شریعت و مصالح جامعه، احکام زکات را گسترش دهد و نظام تأمین اجتماعی را بر مبنای آن طراحی کند.^۱

نقد و بررسی

بر اساس این روش می‌توان نظامات متعدد کاملاً متفاوتی را طراحی نمود، در حالی که اسلامی بودن همه این نظامات حتی نزد اهل تسنن قابل پذیرش نیست. همچنین صاحبان این روش باید به این پرسش مهم پاسخ دهند که ضابطه اسلامی بودن در تغییراتی که به مقتضای زمان و مکان رخ می‌دهد، چیست؟ و چگونه می‌توان از رخنه کردن انحراف در دین جلوگیری کرد؟ و این که فرق بدعت با این روش چیست؟

۲-۴. حجیت مقاصد در نظامات

برخی اندیشمندان شیعه با وجود اذعان به عدم حجیت روش فقه مقاصد معتقدند در احکام مربوط به نظام اقتصادی، مقاصد شریعت حجیت دارد. از این رو فقط احکامی را می‌توان امضا نمود که در راستای مقاصد مطلوب اسلامی باشند. در این روش برای ایجاد بانکداری اسلامی حکم به جواز تک تک اجزاء نظام بانکی کافی نیست، بلکه باید تأمین کننده مقاصد شریعت نیز باشد.^۲

^۱. ر.ک: قرضاوی، یوسف، فقه الزکاة.

^۲. علی‌دوست، ابوالقاسم، «فقه و مقاصد شریعت»، ص ۱۴۷.



نقد و بررسی

درباره این روش باید گفت اولاً، اگر مقاصد مذکور قطعی است که در فقه فردی نیز حجت است؛ اما قطع به یک مقصد به راحتی امکان پذیر نیست و اگر صرفاً مظنون است، حتی در مسائل اجتماعی و نظامات نیز حجیت نخواهد داشت؛ ثانیاً، خطر نفوذ فرهنگ‌های غیردینی همان‌طور که در روش قیاس اهل تسنن موجود است، در این روش نیز به شدت وجود دارد؛ ثالثاً، با وجود ضمیمه کردن مقاصد شریعت به فقه برای طراحی نظامات، همچنان بسیاری از آموزه‌های اسلام در این روش مورد غفلت قرار گرفته است.

۲-۵. روش حرکت از روبنا به زیربنا

این روش اگر چه توسط شهید صدر در کتاب اقتصادنا به این عنوان نامگذاری شده،^۱ اما همان روش فقه جواهری است که اساس حرکت فقهی شیعه در طی بیش از هزار سال بوده است یعنی یافتن قواعد کلی از طریق احکام متعدد.^۲ البته ابداعی که شهید صدر در این زمینه انجام داده این است که از این روش برای یافتن قواعد مذهب اقتصادی کمک گرفته است. مذهب قواعد کلی است که هر نظام برای حل مشکلات موجود برای رسیدن به نقطه مطلوب ارائه می‌دهد. طبیعی است که قوانین فقهی مورد نظر اسلام برآمده از همین مذهب اقتصادی اوست. ما نیز برای این‌که بتوانیم نظام اقتصادی مورد نظر اسلام را کشف کنیم، باید به این قواعد کلی یعنی مذهب اقتصادی اسلام دست یابیم.

مسیر پیشنهادی ایشان برای دست‌یابی به آن قواعد کلی این است که از همان قوانین جزئی موجود در فقه استفاده شود و با در کنار هم گذاشتن همه جزئیات کشف کنیم قاعده کلی حاکم بر این جزئیات چه بوده است و این احکام فقهی از چه قاعده کلی نشأت گرفته است. به همین دلیل این روش را روش «حرکت از روبنا به زیربنا» نامیده است.^۳ البته ایشان برای



۱. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، ص ۳۷۰.

۲. بروجردی، حسین، تبیان الصلاه، ج ۲، ص ۱۱۴.

۳. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، ص ۳۷۰.

حل مشکل عدم هماهنگی برخی فتاویٰ فقیه با قاعده کلی استخراج شده، پیشنهاد جایگزینی فتاویٰ سایر فقها با آن موارد را می‌دهد^۱ که با مخالفت بسیاری از علما مواجه شده است.

نقد و بررسی

این روش اگرچه بیش از روش قبلی از آموزه‌های اسلامی در طراحی نظام استفاده می‌کند و جایگاه فقه در آن بسیار پررنگ و نسبت به نفوذ ارزش‌ها و اهداف نظامات غربی بسیار مقاوم‌تر است، اما از یک سو، از ظرفیت همه آموزه‌های اسلامی در طراحی بانک نیز استفاده نمی‌کند، حتی در مباحث فقهی از آموزه‌های مستحب و مکروه، برای کشف نظام اجتماعی غفلت شده است، در حالی که این آموزه‌ها نقش بسیار زیادی در سبک زندگی و جهت‌دهی نظام اجتماعی دارند. از سوی دیگر، هنوز این خطر وجود دارد که یک نظامی طراحی شود که بخشی از اهداف اسلام را تأمین نکرده باشد.

همچنین درباره طراحی خود روش نیز ایراداتی مطرح شده است که چرا قواعد کلی را غیرقابل تخصیص می‌داند و چگونه می‌توان برای ایجاد همسویی میان احکام جزئی از فتاویٰ استفاده کرد که با نظر فقهی ما مخالف است؟ البته بعضی شاگردان ایشان به هر دو اشکال پاسخ داده‌اند یا به عبارتی با ایجاد اندک تغییراتی در این طرح آن را مصون از این دو اشکال نموده‌اند.^۲

۶-۲. روش حرکت از مبانی

این روش بر این باور است که برای کشف و طراحی نظامات اجتماعی نباید از ابتدا به سراغ فقه رفت، بلکه باید به واکاوی مبانی فکری و معرفتی اسلام پرداخت و بر اساس آن اهداف و ارزش‌های مورد نظر اسلام را کشف نمود. آنگاه با استفاده از تجربیات موجود در علوم بشری راهی برای دستیابی به اهداف مورد نظر طراحی کرد. اینجاست که جایگاه فقه پیدا می‌شود؛

۱. همان، ص ۴۰۱.

۲. اراکی، محسن، فقه نظام اقتصادی اسلام، ج ۱، ص ۵۸.





چراکه نظامی که طراحی می‌شود نباید با ادله فقهی در تنافی باشد. اگر پس از ارائه نظام طراحی شده به فقه توانستیم جواز آن را ثابت کنیم، نوبت به اجرای آن در جامعه می‌رسد. این روش هم توسط غربی‌ها تجربه شده است و هم توسط برخی علمای شیعی مانند مرحوم شاه‌آبادی انجام شده است.^۱

در رابطه با این روش زحمات علامه مصباح یزدی^۲ بسیار مغتنم است. در حوزه اقتصاد اسلامی نیز می‌توان به کتاب نظام اقتصادی اسلام سیدحسین میرمعزی^۳ و نظام اقتصاد مقاومتی احمدعلی یوسفی^۴ اشاره کرد.

تقد و بررسی

این روش اگرچه از مطلوبیت بالایی برخوردار است و پیش‌بینی می‌شود نظامی که بر اساس آن طراحی می‌شود به مطلوب اسلامی نزدیک‌تر از روش‌های قبلی است، اما با وجود این ملاحظات نیز وجود دارد: اولاً، اگرچه در این روش از مبانی معرفتی اسلام در کشف و طراحی نظام استفاده شده است، ولی از ظرفیت موجود در فقه در جهت کشف نظام استفاده حداکثری نشده است، در حالی که به نظر می‌رسد اسلام متکفل بیان نظام مورد نظر خویش نیز است و طراحی این نظام را به تجربه بشری واگذار نکرده است. به بیان روشن‌تر، ما معتقدیم اسلام نیامده است تا یک‌سری معارف کلی بگوید و ارزش‌ها را تبیین کند و طراحی نظام را بر عهده تجربه بشر بگذارد، بلکه بخش مهمی از شریعت اسلامی همان نظام مورد نظر اسلام است که از مبانی اسلام نشأت گرفته و اهداف را تأمین می‌کند. از این‌رو باید ملاحظه شود که اسلام چگونه و با طراحی چه نظامی جامعه مورد نظر خود را به سمت اهداف پیش می‌برد؟ در این زمینه بدون یک روش فقهی عمیق و جامع کاری از پیش نمی‌رود؛ ثانیاً، این روش از نفوذ تفکر غربی که از طریق طراحی بنای اقتصادی به وسیله قطعی شمردن بعضی امور مثل دخالت

۱. شاه‌آبادی، محمدعلی، شذرات المعارف: یوسفی، احمدعلی، «تحلیل الگوی اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی».

۲. ر.ک: مصاحبه علامه مصباح یزدی درباره اقتصاد اسلامی، پژوهشکده تحول و ارتقاء علوم انسانی و اجتماعی، تاریخ ۱۳۹۹/۹/۲۹، <http://ihssd.shirazu.ac.ir>

۳. ر.ک: میرمعزی، سیدحسین، نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، ص ۵۱.

۴. ر.ک: یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد مقاومتی، ص ۷۴.

حدأقلى دولت در اقتصاد اتفاق مى افتد، مصون نيست. بنا بر اين علاوه بر اسلامى بودن مبانى، نظام طراحي شده بر اساس آن نيز بايد مأخوذ از اسلام باشد.

۷-۲. روش تفكيك ميان حوزه دين و مباحث فنى

اين روش كه در اينجا با عنوان روش «تفصيل» از آن ياد مى كنيم، برگرفته از بيانات علامه مصباح يزدي است. البته در اين كه اين روش، روش مستقلى است يا همان روش حركت از مبانى است، ترديد جدى وجود دارد، ولى از اين جهت به صورت مستقل به آن پرداخته شده كه در اين روش برخلاف همه روش هاى قبلى جايگاه ضابطه مندى براى علوم تجربى روز بيان شده است^۱. در اين روش همانند روش سوم به صراحت بيان مى شود كه براى طراحي از ابتدا به سراغ فقه و روايات جزئى نبايد رفت، بلكه ابتدا به سراغ مبانى رفته و بر اساس آن مبانى و ارزش ها و اهدافى كه از آن مبانى برخاسته است، اصول مربوط به سعادت استخراج مى شود. اما اين كه چگونه مى توان اين اصول را عملياتى كرد و به آن رسيد؟ در اينجا از تجربيات روز دنيا استفاده مى شود. البته بديهى است كه اين روش ها نبايد مخالفت با ادله فقهى داشته باشد. از اين رو در نهايت بايد از روش امضا براى عدم مغايرت با شريعت كمك گرفته شود.

تقد و بررسى

اولاً، اين روش نيز مانند روش سابق، جايگاه حدأقلى براى فقه قائل شده است؛ ثانياً، علاوه بر اين كه همه اصول مورد نياز در طراحي يك نظام اقتصادى صرفاً از روى مبانى قابل كشف نيست و اصول كلى غالباً در ضمن راه هاى مختلفى قابل تحقق است كه بخشى از آن تنها از راه مراجعه به احكام شريعت قابل دست يابى است؛ ثالثاً، اگرچه در ابتدا ممكن است به نظر برسد راه تحقق اصول يك مسئله، فنى و علمى است و ربطى به حوزه دين ندارد، اما بسيارى از روش هاى طراحي شده براى تحقق اصول، خالى از امور ارزشى نيست. از اين رو اسلام از

۱. ر.ك مصباح يزدي، محمدتقى، رابطه علم و دين.



یک‌سو، به تبیین اصول راهبردی تحقق مبانی و اهداف را می‌پردازد و از سوی دیگر، برخی از سیاست‌ها و ابزارها را نیز ممنوع می‌کند.

۲-۸. اجتهاد سیستمی

روش «اجتهاد سیستمی» تنها متکی بر ادله فقهی نیست، بلکه چهار ضلع دارد: مبانی فکری اسلام، دانش اقتصاد، فقه اسلامی و سنت‌های الهی.^۱ در مقاله دکتر عیوضلو عمدتاً روی دو ضلع اول یعنی مبانی اسلامی و دانش اقتصاد تکیه شده است و همین مطلب باعث شده با وجود این‌که ایشان این روش را به‌عنوان اجتهاد سیستمی معرفی می‌کند، اما به روش حرکت از مبانی قرابت بیشتری داشته باشد.^۲

توضیح آن‌که گاه در فقه هر مسئله را به‌عنوان یک پرسش مستقل فقهی مورد بررسی قرار داده و با مراجعه به ادله، پاسخی برای آن پیدا می‌کنیم. اما واقعیت این است که باید این نگاه را تکمیل نمود و مسائل را به‌عنوان اجزاء یک نظام کلی در نظر گرفت. آنگاه خواهیم دید آثاری که یک فتوی در دیگر مسائل خواهد گذاشت، قابل توجه بوده و نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. این روش مشابهت زیادی به دیدگاه «فقه نظام» یا «فقه کلان» دارد، اما از جهتی هم شبیه نگاه شهید صدر به مذهب اقتصادی است.

نقد و بررسی

اگرچه در این روش تکیه بر مبانی اسلامی و یکپارچگی موضوعات اقتصادی و همچنین قواعد فقهی شده است، اما در حقیقت روش روشنی برای استنباط اصول کلی حاکم بر نظامات طراحی شده ارائه نمی‌شود. روش دستیابی به قواعد فقهی در این روش می‌تواند همان روش عدم مغایرت باشد و یا روش حرکت از روبنا به زیربنا، که البته باید تبیین شود. همچنین باید



۱. میر معزی، سیدحسین، «روش کشف نظام اقتصادی اسلام»، ص ۵.

۲. عیوضلو، حسین، «مقدمه‌ای بر نظریه بانکداری اسلامی»، ص ۵۹.

پرسیده شود در صورتی که الگوی طراحی شده بر اساس این روش، با احکام فقهی ناسازگار بود، چه راهی برای توجیه وجود دارد؟

۳. روش مطلوب؛ روش جامع استنباط در فقه نظام

روش مطلوب در طراحی نظام بانکی و یا همان روش جامع استنباط در فقه نظام عبارت است از: «طراحی نظام بانکی به روش جامع استنباط در فقه نظام بر اساس اصول بانکداری اسلامی.» روش مطلوب در فقه نظام، روش جامع استنباط احکام کلان است. این روش متکی به فقه جواهری و دارای سه پایه اصلی است: استنباط از مبانی اسلامی، اصطیاد از احکام روبنایی اسلام و استفاده مستقیم از ادله و منابع دینی.

گفتنی است بانک یک نهاد بسیار مهم در نظام اقتصادی به‌شمار می‌رود و پیشرفت و یا عدم پیشرفت نظام اقتصادی، ارتباط مستقیم با نظام بانکی دارد. بنابراین نمی‌توان با قطع نظر از چگونگی نظام اقتصادی و اصول کلی حاکم بر آن به طراحی یک نظام بانکی پرداخت. بر این اساس، روش مطلوب در طراحی نظام بانکی این است که ابتدا نظام اقتصادی اسلام و مبانی و اهداف و اصول کلی آن کشف و معرفی گردد، سپس بر اساس این اصول کلی و ارتباطی که میان نهاد مالی و سایر نهادهای نظام اقتصادی وجود دارد، اصول کلی حاکم بر بانکداری استنباط شود. آنگاه بر اساس اصول استنباط شده برای بانکداری، الگوی عملیاتی برای این نهاد طراحی گردد.

باید توجه داشت که روش استنباط در همه این مراحل یعنی کشف نظام اقتصادی اسلام و اصول کلی حاکم بر آن و تبیین جایگاه نظام بانکی در این نظام و طراحی الگوی عملیاتی برای این نهاد، همان روش جامع استنباط در فقه نظام است.

بر این اساس، برای توضیح روش مطلوب ابتدا لازم است روش جامع استنباط در فقه نظام به تفصیل معرفی شود و سپس مراحل سه‌گانه طراحی بانکداری اسلامی یعنی تبیین جایگاه نهاد مالی در نظام اقتصادی اسلام، استنباط اصول کلی حاکم بر نهاد مالی (نظام بانکی) در نظام اقتصادی اسلام و طراحی الگوی عملیاتی بر اساس اصول کلی به اختصار توضیح داده شود.



۱-۳. تبیین روش جامع استنباط در فقه نظام

فقه نظام به فقهی گفته می‌شود که بتواند معرفی‌کننده احکام مکلف کلان به صورت نظام‌مند و تحت عنوان نظامات اجتماعی باشد. با توجه به ارزیابی و نقدهایی که نسبت به روش‌های مختلف انجام شد، باید گفت که هیچ‌یک از آن‌ها کامل نیستند. اکنون به توضیح روش مطلوب یعنی روش جامع استنباط در فقه نظام می‌پردازیم.

این روش در حقیقت ترکیبی است از روش‌های سه‌گانه حرکت از مبانی و حرکت از روبنا و نظریه تفکیک بین مسائل ارزشی و مسائل فنی و البته تکمیل آن به صورت یک روش کامل که از همه ظرفیت‌های موجود در معارف اسلامی استفاده شده است. اجتهاد در این روش جامع چند مرحله را طی می‌کند:

ابتدا به سراغ مبانی فکری و اعتقادی اسلام مانند توحید رفته و تلاش می‌شود نظام مطلوب بر اساس این مبانی طراحی شود. در این مرحله که با روش فلسفی و اجتهادی انجام می‌شود، اصول کلی نظام اقتصادی اسلام که مهم‌ترین عامل برای طراحی نظامات است، کشف و معرفی می‌گردد. اکنون نوبت آن است که این استنباط‌ها از طریق دیگری نیز به اثبات برسد. از آنجا که شریعت اسلامی برخاسته از مبانی هستی‌شناسی اسلام است، یقیناً باید احکام اسلام به گونه‌ای تشریح شده باشد که منطبق بر اصول به دست آمده از این مبانی باشد. با این نگاه، به سراغ احکام اسلام رفته و با استقراء تام، همه احکام مرتبط با آن اصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که همه این احکام با اصلی که از مبانی استنباط شده منطبق باشد، نشان‌دهنده صحت استنباط اول و تأیید و تکمیل‌کننده آن است. البته تنها فایده مراجعه به احکام شریعت، تأیید اصول مستنبط در حرکت از مبانی نیست، بلکه اصول اجرایی و ضوابط مورد قبول اسلام در شیوه تحقق آن اصول نیز در این مرحله کشف می‌شود. البته در صورتی که برخی از احکامی که در شریعت اسلامی بیان شده با آن اصل مغایر باشد، نیاز به بررسی مجدد دارد؛ چراکه امکان وجود تهاافت میان احکام اسلام و مبانی اسلام وجود ندارد. پس از گذراندن این مراحل و دستیابی به اصول کلی حاکم بر نظامات اجتماعی، در جهت تقویت اصول به دست آمده، به دنبال ادله‌ای که تصریح به این اصول کرده است می‌گردیم که البته این تصریحات غالباً میان ادله یافت می‌شوند.



۲-۳. مراحل سه‌گانه طراحی نظام بانکداری اسلامی

اکنون نوبت آن است که شیوه استفاده از این روش در طراحی بانکداری در مراحل سه‌گانه مورد بررسی قرار بگیرد:

۱-۲-۳. تبیین جایگاه نهاد مالی در نظام اقتصادی اسلام

ستون فقرات هر نظامی از جمله نظام اقتصادی اسلام، اصول کلی حاکم بر آن است. بنابراین پس از استنباط مبانی و اهداف، با روش جامع استنباط در فقه نظام باید در صدد کشف اصول کلی نظام اقتصادی برآییم؛ اصول کلی‌ای که تمام ساختار و اجزای نظام بر اساس آن تنظیم می‌شود.

پس از استنباط اصول کلی، باید ساختار کلان نظام و نهادهای مورد نیاز کشف و با طراحی شود. در این مرحله برای معرفی ساختارها و نهادها در بخشی نیازمند کشف و استنباط هستیم و در بخشی نیازمند طراحی بر اساس امکانات و شرایط موجود. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان ساختار کلی و نهادها را طراحی کرد که انتساب آن‌ها به اسلام ممکن باشد؟ پاسخ این است که اگر ساختار و نهاد به‌گونه‌ای باشد که همه اصول استنباط شده از اسلام در آن تجلی یابد، لاجرم اسلامی خواهد بود و اگر همه و یا برخی از آن اصول در آن محقق نشود، اسلامی نخواهد بود.

در طراحی نهادها، معرفی سیاست‌ها و ابزار لازم و قوانین و مقررات کافی برای عملیاتی شدن این نهادها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این بخش نیز روش جامع استنباط در فقه نظام وظیفه مهمی بر دوش دارد. اما با توجه به این‌که در طراحی این نهادها لازم است که به امکانات موجود در زندگی بشر و شرایط زمان و مکان نیز توجه شود، بدیهی است که استفاده از دانش بشری و تجربه تاریخی و نظریات علمی در این بخش قطعی خواهد بود. اما نباید از این مسئله غافل بود که استفاده از یک سیاست و ابزار باید تأمین‌کننده اصول باشد.





۲-۲-۳. استنباط اصول کلی حاکم بر نهاد مالی (نظام بانکی) در نظام اقتصادی اسلام

پس از کشف نظام اقتصادی اسلام و اصول کلی حاکم بر آن، اکنون نوبت کشف اصول کلی حاکم بر نهاد مالی است. این اصول برگرفته از همان اصول کلی حاکم بر نظام اقتصادی است. البته باید توجه داشت که اصول راهبردی و اصول اجرایی و همچنان اصولی که تعیین‌کننده رابطه این نهاد با سایر نهادهای اقتصادی است نیز، به آن اصول اضافه می‌شود. روش استنباط در این مرحله نیز، روش مطلوب در فقه نظام یعنی روش جامع استنباط است.

در این روش ابتدا از مبانی فکری اسلام آغاز می‌کنیم و با یک بررسی عمیق فلسفی، مقتضیات هر یک از مبانی فکری اسلامی را در رابطه با مسئله موردنظر یعنی نظام اقتصادی اسلام و یا نهاد مالی این نظام بررسی می‌کنیم. در اینجا ممکن است این پرسش مطرح شود که اعتقاد به توحید، معاد، وحی، نبوت، عصمت، خالقیت، مالکیت، ربوبیت خداوند متعال و همچنین سنت‌های الهی و اسباب غیبی و نیازهای روحی انسان چه اقتضائاتی در طراحی نظام اقتصادی خواهد گذاشت؟ در پاسخ می‌توان گفت، طبیعی است که اعتقاد به این مبانی، تعیین‌کننده هدف زندگی فردی و اجتماعی خواهد بود و با مشخص شدن هدف، مفاهیم ارزشی به خودی خود شکل می‌گیرد. بر اساس این مبانی فکری و اهداف و ارزش‌های مبتنی بر آن، پاسخ پرسش‌های اصلی تشکیل نظام اقتصادی و نهادهای آن از جمله بانک داده می‌شود.

البته در استفاده کردن از روش مبانی و اهداف اسلامی، باید به این نکته نیز توجه شود که ممکن است برای تحقق یک هدف مثل عدالت یا متناسب با یک مبنا مثل توحید، راه‌های مختلفی وجود داشته باشد که برخی از آنان مورد قبول شرع نیست. برای رفع این خلأ نباید به این روش اکتفاء نمود، بلکه با نگاه نظام‌مند به احکام شرعی و همچنین با توجه با دلالت التزامی مجموعه احکام و ظهور مجموعی آن و در یک کلام با استفاده از ظرفیت فقه جواهری، قواعد و اصول کلی را از احکام جزئی استنباط نمود و نتایج این دو روش را با هم منطبق ساخت.

در صورتی که اصول کشف شده با یکدیگر منطبق باشند، نشان‌دهنده این است که اصول به دست آمده صحیح می‌باشند؛ اما اگر با یکدیگر منطبق نباشد، نشان‌دهنده عدم صحت اصول کشف شده و لزوم بازبینی در آن‌ها است.

در مرحله سوم پس از این که با حرکت از مبانی و همچنین کشف از روبنا اطمینان حاصل شد که استنباط درستی از اصل مورد نظر انجام شده، یک بار دیگر به نصوص شرعی مراجعه می شود که چه بسا این اصل به صراحت در ادلة قرآنی و روایی وجود داشته است و پژوهشگر از آن غفلت کرده است.

این روش سه مرحله ای را در همه اصول مرتبط به بانکداری یعنی اصول برگرفته از اصول کلی نظام اقتصادی اسلام و اصول تعیین کننده رابطه این نهاد با سایر نهادهای اقتصادی و اصول راهبردی و اصول اجرایی باید انجام دهیم. در این صورت راه برای طراحی الگوی عملیاتی هموار می شود.

۳-۲-۳. طراحی الگوی عملیاتی بر اساس اصول کلی

پس از این که همه اصول مرتبط با طراحی نهاد مالی نظام اقتصادی اسلام و یا همان بانکداری اسلامی استنباط شد، اکنون نوبت به طراحی الگوی عملیاتی می رسد. البته با توجه به این که علمیات استنباط تمامی اصول، حتی اصول راهبردی و اجرایی به اتمام رسیده است، تقریباً الگوهای مطلوب بانکداری نمایان شده است؛ اما از آنجا که طراحی هر الگویی بدون توجه به ملزومات اجرایی آن در زمان و مکان مورد نظر ممکن نخواهد بود، طبیعی است که نیاز به دانش فنی روز و تجربیات دانش بشری در این مرحله تأثیر مهمی خواهد داشت.

۴. مبانی روش مطلوب

پس از معرفی روش مطلوب، اکنون نوبت بررسی حجیت این روش است. برای این منظور لازم است مبانی این روش تبیین شود تا میزان اتقان و صحت آن آشکار گردد. مبانی این روش را می توان در چند امر دسته بندی کرد:



۱-۴. خداشناسی اسلامی

چگونگی نگاه انسان به خداوند متعال، قطعاً در اقتصاد مؤثر خواهد بود که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود: خداوند متعال مالک بالذات جهان است و مالکیت انسان‌ها در طول مالکیت خداوند بوده و او حق دارد هر قانونی در این زمینه وضع کند. اما انسان‌ها نسبت به ملکیت مساوی هستند و هیچ‌کس در ملکیت هیچ چیز برتری بر دیگری ندارد، مگر این‌که خداوند راهی برای ملکیت اشخاص باز کرده باشد.

سلطنت خداوند و عدالت او مهم‌ترین دلیل منطقی برای دخالت تشریعی و حق قانون‌گذاری دولت در عرصه اقتصاد و رفتارهای اقتصادی می‌باشد و بدون توجه به این مبنا، هیچ مبنای منطقی برای دخالت دولت در عرصه‌های اقتصادی وجود ندارد.

۲-۴. جهان‌شناسی اسلامی

چگونگی نگاه به جهان هستی تأثیر ویژه‌ای در روش پژوهش در مسائل مورد نیاز اجتماعات بشری دارد. اگر نگاه به جهان هستی این‌گونه باشد که جهان هستی متشکل از دو بخش دنیا و آخرت است و سعادت اخروی هدف بهره‌مندی از نعمت‌های عالم دنیا است و حیات دنیایی انسان در عالم آخرت مورد بررسی قرار خواهد گرفت، هر انسانی در رفتارهای اقتصادی خود به نحوی عمل خواهد کرد که ضمن بهره‌مندی کامل از نعمت‌های دنیایی، این بهره‌مندی را بستر بهره‌مندی از نعمت‌های بی‌بدیل آخرتی قرار دهد. در این صورت نظام اقتصادی باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود که تمهه‌های روابط اقتصادی نهادینه شده در آن، بستر بهره‌مندی از نعمت‌های آخرتی را آماده کند.^۱



^۱ این مبانی فلسفی در کتب فلاسفه بزرگ شیعه به تفصیل بیان شده است. ر.ک: طباطبائی، سیدمحمدحسین، نه‌ایه الحکمه؛ مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه.

۳-۴. انسان‌شناسی اسلامی

ابعاد وجودی انسان از دیدگاه اسلام منحصر در جسم مادی نیست و شامل روح نیز می‌شود. ویژگی عقلانی روح انسان تأمین‌کننده هدفی است که انسان برای خود برمی‌انگیزد. هدف و سعادت انسان در چیست؟ این هدف‌گذاری تأثیر ویژه‌ای بر حرکت انسان در زندگی دارد. اگر هدف انسان چیزی غیر از تأمین لذت‌ها و امور دنیایی و پیشینه کردن سود باشد، لازم است در نظامات اجتماعی برای تأمین آن برنامه‌ریزی شود. قطعاً روش تحصیل برنامه اجتماعی در تأمین این هدف بسیار مؤثر خواهد بود.

۴-۴. معرفت‌شناسی اسلامی

در معرفت‌شناسی اسلامی با تفکیک میان پدیده‌های مادی و غیرمادی و بررسی روش‌های مختلف حصول علم و تقسیم علم به حضوری و حصولی، روش‌های مختلفی در مسائل مختلف به‌عنوان روش علمی مورد قبول است که می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به سه دسته عقلانی و وحیانی و تجربی تقسیم نمود.

۵-۴. اصول فقه

از آنجا که روش مطلوب، مبتنی بر فقه نظام و روش جامع استنباط است، همه مباحثی که در علم اصول در رابطه با حجیت ادله بیان می‌شود به‌عنوان مبانی این روش محسوب می‌شود؛ مباحثی نظیر حجیت ظاهر قرآن، خبر واحد و اجماع، مباحث مربوط به سیره عقلائی، سیره متشرعه، ارتکازات عرفی و ارتکازات متشرعه و مباحث تعارض ادله و اصول عملیه.^۱

^۱ تفصیل این مباحث در کتب اصولیون بزرگ شیعه آمده است: ر.ک: انصاری، مرتضی، فوائد الاصول؛ خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول.



۴-۶. فقه اسلامی

گنجینه بیش از هزار ساله فقه شیعه، منبع گران‌بهایی برای دسترسی به احکام الهی و روش زندگی سعادت‌مندانه است. طبیعی است که روش مطلوب هر گونه روشی را که خارج از روش فقهی اجتهادی باشد انحراف دانسته و حکم به بطلان آن روش خواهد کرد.

۴-۷. علوم تجربی فنی

طراحی نهادهای اجتماعی از جمله نهاد مالی تنها متکی به اصول کلی مذهبی نیست، بلکه باید ملزومات اجرایی آن نیز مورد توجه قرار بگیرد و از امکانات و ظرفیت‌های موجود نیز بهره بگیرد. به همین منظور استفاده از گزاره‌های قابل قبول علوم تجربی، مبنای مهمی برای طراحی بانک در این روش محسوب می‌شود؛ چراکه رجوع به علوم تجربی در مباحث فنی، منطقی روشن دارد.

۵. مؤلفه‌های روش مطلوب

روش مطلوب طراحی بانکداری اسلامی را می‌توان در شش مؤلفه اصلی معرفی نمود:

۵-۱. ابتدا بر مبانی فکری اسلام

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این روش، ابتدا بر مبانی اسلامی است. استفاده از این روش باعث می‌شود تأثیر «مبانی فکری اسلام» و «اهداف مبتنی بر آن مبانی» در ساختارهای اقتصادی معلوم شود. همچنین مفاهیم ارزشی که در مسیر دست‌یابی به این اهداف شکل گرفته است به وضوح دیده شود و تفاوت نظام اسلامی از سایر نظامات طراحی شده در مکاتب مختلف بشری به خوبی روشن گردد.

۲-۵. ابتدا بر نظام اقتصادی اسلام

در روش‌های مرسوم در حوزه بانکداری اسلامی، اغلب مسئله از عملیات بانکی متعارف به دستگاه فقه اسلامی عرضه می‌شود و این دستگاه مشروعیت و یا عدم مشروعیت آن مسئله را بررسی می‌کند، اما این‌که این بانک چه جایگاهی در نظام اقتصادی دارد و چه نقشی را در این میان ایفا می‌کند تأثیری در حل مسئله ندارد. نتیجه این روش این است که گاه پاسخ‌های به دست آمده در مرحله اجرا، دچار تناقضاتی می‌شود که امکان تحقق آن را اندک می‌کند و چه بسا اهداف مورد انتظار نظام اسلامی را نیز به تأخیر می‌اندازد.

از آنجا که اصول بانکداری اسلامی در روش مطلوب برگرفته از اصول کلی حاکم بر نظام اقتصادی اسلام است و رابطه میان نهادهای مختلف اقتصادی در مجموعه نظام اقتصادی دیده شده است، نه تنها تناقض و تهافتی میان عملیات مختلف ترسیم شده در بانک به وجود نمی‌آید، که وفاق کاملی میان همه نهادهای اقتصادی حاضر در نظام اقتصادی نیز به وجود می‌آید.

۳-۵. ابتدا بر روش فقه جواهری در کشف اصول کلی و قواعد راهبردی و اجرایی

در روش مطلوب به جای این‌که تک‌تک مسائل موجود در بانکداری متعارف تبدیل به مسئله و پاسخ فقهی برای آن یافت شود و بر اساس آن بانکداری اسلامی طراحی گردد، ابتدا اصل کلی و همچنین قواعد راهبردی و اجرایی استخراج می‌شود، سپس بر اساس آن‌ها، نهاد مالی مطلوب نظام اسلامی طراحی می‌گردد. از آنجا که اصطیاد این قواعد از میان احکام فقهی نیازمند اجتهاد عمیق و گسترده در مجموعه‌ای از احکام مرتبط به هم است، می‌توان روش فقه جواهری را یکی از مهم‌ترین ارکان این روش دانست. در این روش، مسئله حجیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آن‌گونه که در اصول فقه شیعه بیان شده،^۱ در استنباط از هر دلیل و یا مجموع ادله، باید یقین و اطمینان حاصل شود و یا دلیل معتبری بر حجیت آن وجود داشته باشد.

۱. انصاری، مرتضی، فراند الاصول، ج ۱، ص ۱۲۵؛ خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، ص ۲۹۷ و ص ۳۱۷.



۴-۵. تتبع تام برای یافتن ادله مستقیم

همان‌گونه که در تبیین روش جامع استنباط در فقه نظام بیان شد، پس از حرکت از مبانی و مراجعه به احکام شریعت، لازم است بار دیگر ادله دینی مورد بررسی قرار گیرد تا ادله‌ای که به صراحت به این قواعد و یا احکام اشاره کرده است، جمع آوری شود.

۵-۵. نگاه نظام‌مند و ساختاری

در روش مطلوب، روش فقه نظام جایگزین روش فقه فردی می‌شود یعنی به جای آن‌که تک‌تک مسائل به صورت از هم گسیخته مورد بررسی قرار گیرد، مجموعه سیستم بانکی به‌عنوان یک نهاد یکپارچه با اهداف مشخص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۶. استفاده از تجربیات دانش بشری در حوزه فنی

یکی از نقاط ضعف روش‌های مرسوم در طرح‌های موسوم به بانکداری اسلامی، عدم وجود منطقی روشن برای استفاده از تجربیات دانش بشری است. از این‌رو در این زمینه افراط و تفریط‌های فراوانی صورت می‌گیرد. از یک‌سو، عده‌ای به جهت بدبینی به دانش‌های تولید شده در علوم انسانی معتقدند که همه آن‌چه در غرب در حوزه علوم انسانی تولید شده، فاسد و غیر مفید است. در مقابل عده‌ای بدون هیچ ضابطه‌ای، مرعوب دانش غربی شده و معتقدند که هر آن‌چه در غرب تولید می‌شود، مفید بوده و تنها راه‌حل مسائل اقتصادی، پیاده کردن الگوهای غربی است و تنها کافی است ظاهر اسلامی به آن داده شود. این در حالی است که در روش مطلوب، منطقی استفاده کردن از دستاوردهای دانش تجربی بشر به خوبی ترسیم شده است.

۶. آثار و امتیازات روش مطلوب

این روش امتیازات متعدد و منحصر به فرد و همچنین آثار فراوانی دارد که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۶. استفاده از همه ظرفیت‌های موجود در آموزه‌های اسلامی در طراحی نظام بانکی

همان‌گونه که در تبیین روش مطلوب بیان شد، در این روش حرکت از مبانی فکری آغاز می‌شود و به تبع آن اهداف و مفاهیم ارزشی ترسیم می‌شود. در استنباط اصول کلی از روش فقهی و مراجعه به احکام شریعت کمک گرفته می‌شود. بنابراین در این روش از ظرفیت موجود در عقائد، اخلاق، احکام و همه آموزه‌های عقلی و نقلی قرآنی و روایی برای طراحی استفاده می‌شود.

۲-۶. برخورداری از حجیت قطعی

همان‌گونه که گذشت، یکی از مهم‌ترین نقدها بر روش‌های قبلی، مربوط به مسئله حجیت بود. ایرادهای متعددی وجود داشت که حجیت آن روش‌ها را زیر سؤال می‌برد. اما این روش به دلیل تکیه بر مبانی فکری مسلم، استفاده از روش متقن فقه جواهری، تکیه بر اصول فقه شیعه و تتبع تام در متون دینی برای استنباط اصول، به‌گونه‌ای عمل می‌کند که هیچ ابهامی در حجیت این روش باقی نمی‌گذارد.

۳-۶. برخورداری از مشروعیت جهت قانون‌گذاری

در روش مطلوب به دلیل تکیه بر مبانی اسلامی و طراحی بر اساس اصول استنباط شده در نظام اقتصادی اسلام، الگویی طراحی می‌شود که تضمین‌کننده مصالح مورد انتظار نظام اسلامی است و مشکلی از جهت قانون‌گذاری به وجود نمی‌آید. به این صورت که مصالح نظام اسلامی و عناوین ثانویه در آن رعایت شده و از تعطیلی سنت و ترویج امور غیرمطلوب جلوگیری می‌شود.

۴-۶. عدم اتکا بر آراء اختلافی و تکیه بر امور مورد قبول علمای اسلام

با توجه به اتکاء این روش بر طراحی بر اساس اصول، اختلافات فقهی جزئی در مسائل خرد، دیگر تأثیر چندانی نخواهد داشت؛ چراکه کافی است اصول کلی مورد قبول فقها باشد. این



اصول نیز متکی بر مبانی مسلم فکری اسلام است که دچار کمترین اختلاف در میان مسلمین خواهد بود. به‌ویژه این‌که در این روش از صوری‌سازی و حیل نیز اجتناب می‌شود و غالباً متکی است بر اموری که از متن اسلام برخاسته و دچار اختلافات عمده نمی‌باشد.

۵-۶. نگاه نظام‌مند به ساختار بانک در مقابل نگاه جزء نگر

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های موجود در روش عدم مغایرت، رویکرد جزء‌نگر است؛ رویکردی که تنها به مشروعیت یک جزء از اجزاء نظام بانکی نگاه می‌کند در حالی که ممکن است در کارکرد ساختار بانکی اخلال به وجود بیاورد. آسیبی که در این روش وجود ندارد چرا که اساساً روش فقه نظام بر اساس نگاه ساختاری به بررسی فقهی می‌پردازد.

۶-۶. توجه به جایگاه بانک در مجموعه نظام اقتصادی

با توجه به این‌که این روش بر اساس اصول کلی حاکم بر نظام اسلامی طراحی می‌شود، طبیعی است که رابطه همه نهادهای موجود در نظام اسلامی باهم ملاحظه می‌شود و مجموعه نهادهای نظام اسلامی مانند اجزای یک جورچین واحد در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند؛ مسئله‌ای که در سایر روش‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۶-۷. تحقق همه اصول بانکداری اسلامی در بانک طراحی شده بر اساس این روش

از آنجا که در این روش، نهاد پولی از ابتدا بر اساس اصول بانکداری اسلامی طراحی می‌شود، در الگوی طراحی شده، همه اصول موردنظر بانکداری اسلامی تحقق می‌یابد، بلکه هر اصلی مؤثر در تحقق دیگر اصول است.

۸-۶. قابلیت اجرا و نظارت و از بین رفتن زمینه صوری سازی

مشکل اصلی در اجرای عملیات بانکداری اسلامی از اینجا نشأت می‌گیرد که بنای اصل بانکداری بر ربا و سود ثابت است. بدیهی است که هر راهکاری برای اجرای عقود اسلامی در چنین شرایطی ناممکن است. حال آن‌که در روش مطلوب، بانک بر اساس اصول بانکداری اسلامی طراحی می‌شود و زمینه صوری‌سازی و مشکلات موجود در اجرا و نظارت برطرف می‌گردد.

۹-۶. توجه به آثار اقتصادی عملیات بانکی در کنار آثار حقوقی

در پژوهش‌های مرسوم در عرصه بانکداری عمدتاً بر روی آثار حقوقی تأکید می‌شود و تلاش می‌شود عقود اسلامی به گونه‌ای پیاده شوند که حلال باشند. اما این‌که چه آثار اقتصادی بر این عملیات بانکی مترتب می‌شود، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مؤید این مدعی این است که در سال‌های اخیر غالب راهکارهایی که برای حل مشکلات اقتصادی ارائه شده است، دارای پیوست آثار اقتصادی نیست.

۱۰-۶. قدرت اقتناع و گفتمان‌سازی

مادامی که تنها دغدغه پژوهش‌گران اسلامی‌سازی بانک‌ها، مسئله مشروعیت بدون توجه به مبانی و آثار نظام بانکی باشد، مورد توجه اندیشمندان قرار نخواهد گرفت و تنها زمانی می‌توان به دنبال اقتناع ذهن تشنه و جستجوگر اندیشمندان و همچنین ایجاد گفتمان عمومی برای مطالبه بانک اسلامی بود که این بانک به جای امضای روش موجود در بانکداری ربوی، بر اساس اصول اسلامی طراحی شود و تفاوت آن با بانکداری متعارف نه فقط در شکل، بلکه در محتوی و آثار باشد.



۱۱-۶. امکان ترویج در میان همه مکاتب فکری اعم از مسلمان و غیرمسلمان

اصولی که الگوی طراحی شده مبتنی بر آن‌ها است، اصولی از قبیل توزیع عادلانه ثروت، حفظ مالکیت، آزادی‌های اقتصادی و غیره می‌باشد. این اصول برگرفته از مبانی فکری اسلام و تبعاً مبتنی بر فطرت است. بنابراین طبیعی است که در صورت محقق شدن این اصول در الگوی ارائه شده، آزاداندیشان هر نقطه از عالم با آن موافقت خواهند کرد و طرفدار آن خواهند بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، مشخص شد روش عدم مغایرت، نه تنها از حجیت لازم برای کشف نظام‌های اجتماعی برخوردار نیست، بلکه تأثیرات مخربی بر جای گذاشته است. روش‌های جایگزین نیز دو دسته هستند: برخی از روش‌ها ناقص است و برخی از آن‌ها اشکالات جدی دارد. در روش جامع فقه نظام سعی شده است از همه ظرفیت‌های روش‌ها استفاده شود و از اشکالات وارده بر آن جلوگیری گردد. این روش، اگرچه ممکن است سختی‌هایی داشته باشد، اما اگر با این روش برای کشف و طراحی نظام‌های اجتماعی اقدام شود، اطمینان حاصل می‌شود که اسلامی می‌باشد.

کتاب‌نامه

*قرآن کریم.

ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، معالم الأصول (با حواشی سلطان العلماء)، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.

اراکي، محسن، فقه نظام اقتصادی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴ ش.



اعرافى، عليرضا، درآمدى بر اجتهاد تمدن ساز، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۵ ش.
انصارى، مرتضى، فرائد الاصول، قم: چاپ نهم، ۱۴۲۸ ق.
بروجردى، آقا حسين طباطبايى، تبيان الصلاة، قم: گنج عرفان للطباعة و النشر، چاپ اول،
۱۴۲۶ ق.

حلّى، فخرالمحققين، محمد بن حسن بن يوسف، إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد،
قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ اول، ۱۳۸۷ ق.
حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)، قم: مؤسسه آل البيت چاپ
اول، ۱۴۱۴ ق.

خامنه‌ای، سيد على، بيانات در جمع اساتيد و طلاب مدرسه عالی تخصصی فقه، اسفند
۱۳۹۷ ش.

خيرگزارى ايسنا، تاريخ خير: ۲۵ بهمن ۹۵، كد خبر: ۹۵۱۱۲۶۱۸۷۰۹
خراسانى (آخوند)، محمدكاظم، كفاية الأصول، قم: آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
خسروپناه، عبد الحسين، روش شناسی علوم اجتماعى و فلسفه علوم انسانی، تهران: مؤسسه
پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۴ ش.

شاه‌آبادى، محمدعلى، شذرات المعارف، تصحيح و تحقيق بنياد علوم و معارف اسلامى
دانش پژوهان، تهران: انتشارات ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
صدر، سيد محمدباقر، اقتصادنا، قم: دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
_____، البنك اللاربوي، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ هفتم، ۱۴۰۱ ق.
صمصامى، حسين و داوودى پرويز، به سوى حذف ربا از نظام بانكى (از نظريه تا عمل)،
تهران: دانايى توانايى، ۱۳۸۹ ش.

صمصامى، حسين، «آسيب شناسى و اصلاح نظام بانكى»، پگاه تحول، نشریه داخلی
ديبرخانه دائمى كنگره بين المللى علوم انسانی اسلامى، مرداد ۱۳۹۷، شماره ۸، صص ۴۶-
۳۴.

طباطبائى، سيد محمدحسين، نهاية الحكمة، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، بی تا.
طوسى، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، تهران: المكتبة المرتضوية
لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق.



- طوسی، محمد بن حسن، العدة في أصول الفقه، قم: چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثة)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- علیدوست، ابوالقاسم، «فقه و مقاصد شریعت»، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، بهار ۱۳۸۴، شماره ۴۱، صص ۱۵۵-۱۲۵.
- عیوضلو حسین، «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چاقوب نظام اقتصادی اسلام»، اقتصاد اسلامی، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۷۱، صص ۳۵-۵
- _____، «مقدمه ای بر نظریه بانکداری اسلامی»، پگاه تحول، نشریه داخلی دبیرخانه دائمی کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، مرداد ۱۳۹۷، شماره ۸، صص ۶۶-۵۹.
- فاضل، محمدجواد، سخنرانی در دومین گرامیداشت آیه الله موسوی اردبیلی. <https://fazellankarani.com/persian/news/view/21725>
- قرضاوی، یوسف، فقه الزکاة؛ مقارنه لاحکما و فلسفتها فی ضوء القرآن و السنه، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۳۹۳ ق.
- قوامی، سید صمصام الدین، فقه الادارة، قم: بنیاد فقهی مدیریت اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
- مادرشاهی، محمد، «آسیب شناسی روش عدم مغایرت در اسلامی سازی بانک»، فقه نظام، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۱.
- مصباح یزدی، محمد تقی، درباره اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه تحول و ارتقاء علوم انسانی و اجتماعی، تاریخ ۱۳۹۹/۹/۲۹، <http://ihssd.shirazu.ac.ir>
- _____، آموزش فلسفه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ ش.
- _____، رابطه علم و دین، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ش.
- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: انتشارات صدرا چاپ هفدهم، ۱۳۸۰ ش.
- موسویان سیدعباس و میثمی، حسین، بانکداری اسلامی، مبانی نظری- تجارب عملی، ج ۱، ویراست پنجم، پژوهشگاه پولی و بانکی، سال ۱۳۹۵

میرمعزی، سیدحسین، «روش کشف نظام اقتصادی اسلام»، اقتصاد اسلامی، سال ۱۳۸۹، شماره ۳۹، صص ۳۲-۴.

_____، نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال ۱۳۹۹.

نظرپور، محمدنقی و یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و ابراهیمی، میمنت، «شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس»، اقتصاد اسلامی، سال ۱۳۹۰، شماره ۴۳، صص ۱۸۸-۱۵۷.

یوسفی، احمدعلی، و مادرشاهی، محمد، «تحلیل فقهی مبنای عدم مغایرت در تصویب قوانین اقتصادی»، مجلس و راهبرد، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۹۵، صص ۳۱-۵.

_____، «تحلیل الگوی اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی»، اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۴، شماره ۵۷، صص ۱۱۲-۸۷.

_____، نظام اقتصاد مقاومتی (ماهیت، مبانی، اهداف، ساختار، اصول راهبردی و الگوهای اجرایی)، قم: نشر نگاه فارسی، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش.

